

شروط استثنا در مسؤولیت قراردادی (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق انگلیس)

محمد عیسائی تفرشی^{۱*}، خدیجه شیروانی^۲، علیرضا آیین^۳

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران
۳. دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

چکیده

شروط استثنا که در جامه شرط تحدیدکننده و ساقطکننده مسؤولیت متعهد جلوه‌گر می‌شوند، گرچه تعهدی تبعی به شمار می‌آیند، اما سراسر تعهد اصلی را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. این‌گونه شروط تمامی گستره تعهدات (اعم از قراردادی و خارج از قرارداد) را درنور دیده، آثاری بر جای گذارده‌اند که مطالعه این آثار در قراردادها اهمیت می‌یابد. اگرچه در فقه تحت تأثیر نظریه کهن «استحاله اسقاط مالم یجب» پذیرش این شروط با مشکل روبرو شده است، اما در شرط تبری از عیوب یا اسقاط ذمه زوج از نفقه آینده می‌توان ردپایی از پذیرش این‌گونه شروط یافت. در حقوق ایران نیز هرچند قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد، می‌توان از مواد پراکنده دریافت که قانونگذار جز در موارد استثنایی حکم به صحت چنین شروطی کرده است. اما در حقوق انگلیس وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خورده، به نحوی که علاوه بر رویه قضایی پویا در زمینه شروط استثنا و وجود پرونده‌های متنوع، قانونگذار نیز با تصویب قوانین خاص نظیر قانون «شروط غیرمنصفانه»، موجب پیدایش قواعد متنوعی در این زمینه شده است که مطالعه آن برای حقوقدانان و قانونگذار داخلی می‌تواند مفید باشد.

واژگان کلیدی: شرط، شرط استثنا، شروط غیرمنصفانه، تحدید مسؤلیت، اسقاط مسؤلیت.

۱. مقدمه

تحت تأثیر مکتب فردگرایی، اصلی به نام «آزادی قراردادهای» در توافقات مطرح گردید که دنیای تعهدات را متحول ساخت؛ اما با گذشت زمان و قدرت گرفتن مکتب اجتماعی، از گستره اصل مزبور کاسته شد. به بیان دیگر، عموم آزادی ارادی با تخصیصاتی نظیر عدم مخالفت با قانون، نظم عمومی، اخلاق حسنه و... مواجه گردید. علیرغم تمامی این قیود، اصل آزادی اراده همچنان به حیات خویش ادامه داد و منشأ پیدایش تعهدات ارادی گردید. این اصل گاه به شکل قرارداد یا ایقاع تبلور می‌یابد و گاه نیز در زمره شرطی به قرارداد اصلی الحاق گردیده، منشأ پیدایش التزام و تعهدی تبعی می‌شود. اگرچه در وهله نخست، شرط ضمن عقد که صورت غالبی شروط است، در قالب تعهدی تبعی جلوه می‌کند و در کنار تعهد اصلی قرارداد می‌نشیند تا سخن از سرایت فساد از شرط به عقد صحیح باشد، اما التزام حاصل از شرط از چنان اهمیتی برخوردار است که قرارداد اصلی تحت تأثیر عدم اجرا، بطلان یا فساد آن قرار می‌گیرد. در این فرض، گویا تعهدات حاصل از عقد و شرط هر دو به منزله علت تعهد محسوب شده، سرنوشت قرارداد را تعیین می‌کنند. تفسیر شرط به‌عنوان یکی از مظاهر اراده که منشأ ایجاد تعهد و التزام می‌شود از دیرباز مورد توجه فقها و حقوقدانان بوده است (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۱)، (محقق-داماد، ۱۳۹۰، ص ۵۲) (ره‌پیک، ۱۳۹۳، ص ۲۰). شرط به اشکال مختلف ظاهر می‌شود و عقد را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن، تبلور شرط در قالب التزامی است که موجب کاهش، سقوط و یا افزایش تعهدات طرفین می‌شود.

آنچه در نوشتار پیش رو بدان خواهیم پرداخت، مطالعه تطبیقی شروطی است که طرفین ضمن عقد گنجانده‌اند و از این رهگذر اقدام به کاهش یا سقوط تعهدات قراردادی خویش می‌کنند. به این‌گونه شروط، در حقوق انگلیس، «شروط استثنا» و در حقوق ایران «شروط محدودکننده یا ساقط‌کننده» می‌گویند. در این نوشتار در پی این هستیم که نمایی



کلی از این شروط در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق انگلیس ارائه و نشان دهیم که شروط استثنا در حقوق ایران و انگلیس چه نقاط تشابه و تفاوتی دارند.

۲. مفهوم شرط استثنا

بحث از شروط محدودکننده یا ساقطکننده مسؤولیت، در عقود مغابنه‌ای اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا وجود این شروط، تهدیدکننده توازنی است که طرفین درصدد دستیابی به آن بوده‌اند. در تعریف این دسته از شروط گفته شده است: «توافق‌هایی که پیش از وقوع عهدشکنی، به منظور تغییر نظام قانونی مسؤولیت یا شرایط مطالبه آن به سود مدیون منعقد می‌شود» (ایزائلو، ۱۳۹۰، ص ۲۲). این گونه توافقات، موازنه‌ای را که طرفین در پی دستیابی به آن بوده‌اند هدف قرار داده، موجب بروز خدشه در توازن قراردادی می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۰). در حقوق انگلیس منظور از شرط استثنا شرطی است که یکی از طرفین قرارداد به منظور از بین بردن یا محدود کردن مسؤولیت خود در برابر نقض قرارداد یا نقض شرط مندرج در آن، با موافقت طرف مقابل در قرارداد می‌گنجاند. ویژگی اصلی شروط استثنا که جزء شروط اصلی محسوب می‌شوند این است که یک طرفه هستند؛ به این معنا که تنها به نفع مشروط‌الذمه هستند و مشروط‌علیه بنا به دلایلی ناچار به پذیرفتن آن‌ها می‌شود (Young, 2010, p.54).

برخی از حقوقدانان ایران در بیان عناصر سازنده شرط کاهش یا عدم مسؤولیت بیان می‌دارند: «(۱) این شرط باید در ضمن عقد گنجانده شود؛ (۲) منتفع از این شرط باید جزء متعاقدين باشد؛ (۳) به موجب این شرط، تمام یا بخشی از مسؤولیت ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرا یا سوء اجرای قرارداد پیش از بروز تخلف، سلب (یا کاهش) می‌یابد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸ و ۳۱۹). البته برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند لزومی ندارد این شروط، ضمن قرارداد درج شوند، بلکه صرف تراضی چه پیش از عقد چه پس از آن به صورت قرارداد مستقل کفایت می‌کند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۳۲). اما در حقوق انگلیس برای الزام‌آور شدن شرط استثنا لازم است حتماً این شرط در قرارداد آمده باشد

و حتماً بخشی از قرارداد گردد. در غیر این صورت هیچ الزامی برای طرفین ایجاد نمی‌کند (Monahan, 2001, p.92).

۳. پذیرش شرط استثنای به‌عنوان اصل

۳-۱. پذیرش شرط استثنای در فقه امامیه

بحث از شروط تحدید یا عدم مسؤولیت را می‌توان در ابواب پراکنده کتب فقهی یافت. فقیهان امامیه عمدتاً بحث حاضر را در ابواب مربوط به ضمانات قراردادی مطرح کرده‌اند که به شروطی نظیر برائت پزشک یا دامپزشک در معالجه انسان و حیوان (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۴)، (الجبلی‌العاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۲۷)، شرط تبری از عیوب کالا پس از قبض (موسوی خویی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۴) می‌توان اشاره کرد. علت قید کردن «پس از قبض» اشاره به این مطلب دارد که برخی فقها و حقوقدانان معتقدند هر گونه اسقاط یا تبری از عیوب و امثال آن، در زمان خیار حیوان، مجلس و شرط موجب بطلان عقد می‌شود. در بیان علت این حکم، برخی معتقدند مسؤولیت تلف در زمان این سه خیار، حکم است، نه حق و در نتیجه قابل اسقاط نیست (پیشین، ص ۱۵۵). برخی دیگر نیز چون چنین اسقاطی را مخالف قاعده تلف قبل از قبض می‌دانند که ریشه آن در موازنه تسلیم در مقابل تسلیم است، چنین شرطی را باطل و مبطل قرارداد انگاشته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۳). البته در این که شرط تبری از عیوب جزء شروط کاهش‌دهنده یا عدم تعهد است یا جزء شروط عدم مسؤولیت، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی شرط مزبور را جزء شروط عدم مسؤولیت می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳) و برخی دیگر آن را نوعی شرط کاهش تعهد می‌دانند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۳۲). به نظر می‌رسد شرط اسقاط تمام یا برخی از اختیارات را که توسط فقیهان مطرح شده (موسوی خویی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۸) و در ماده ۴۴۸ ق.م. انعکاس یافته نیز بتوان به‌عنوان یکی دیگر از مواضعی نامید که شرط تحدید یا عدم مسؤولیت در فقه مطرح شده است. مشهور فقها بر این عقیده‌اند که چنین شروطی صحیح هستند؛ زیرا اصل بر آزادی اراده است و از سویی نیز



چنین شروطی جزء آن دسته از توافقاتی نیستند که مغایر کتاب و سنت باشند و در نتیجه در عموم «المؤمنون عند شروطهم» جای گرفته، صحیح هستند. وانگهی مفاد قاعده تسلیط نیز مؤید صحت این گونه شروط است؛ زیرا طرفین قرارداد به عنوان افراد جایزالتصرف، حق هر گونه دخل و تصرف در اموال خویش را خواهند داشت (ماده ۳۰ ق.م) و دلیلی وجود ندارد که چنین شروطی خارج از اصل مذکور باشند (نکویی، ۱۳۹۰، ص ۷۱). با وجود این، چنین شروطی با دو محذور مواجه هستند: یکی محذور «استحاله اسقاط ما لم یجب» و دیگری «نظریه غرری بودن مسؤولیت» که در ادامه هریک از این دو را بررسی می‌کنیم:

۳-۱-۱. استحاله اسقاط ما لم یجب

فقیهان امامیه بر این عقیده‌اند که زمانی اسقاط یا ابراء معنا دارد که حق یا دینی وجود داشته باشد تا اسقاط یا ابراء از آن صحیح باشد. بنابراین اگر متعهدله بخواهد متعهد را بری‌الذمه کند، لازمه‌اش وجود حق یا دین قابل مطالبه در مرحله قبل از آن است. در محل بحث نیز چون قبل از ایجاد حق، مسؤولیتی ایجاد نشده و ذمه متعهد در برابر متعهدله مشغول نشده است، بی‌معنا است که بخواهیم به واسطه شرط عدم یا تحدید مسؤولیت، ذمه متعهد نسبت به تعهد آینده را آزاد کنیم. اما در مقابل می‌توان گفت، در محل بحث اسقاط ما لم یجب اتفاق نیفتاده است؛ چرا که لازمه صحت اسقاط، وجود دین یا حق در خارج نیست، بلکه همین که مقتضی آن موجود باشد کافی است (محقق‌داماد، ۱۳۹۵، ج ۲، ۲۵۹). در مورد شروط عدم یا تحدید مسؤولیت مقتضی تعهد به مفاد قرارداد که مدلول مطابقی قرارداد است و نیز مقتضی مسؤولیت در فرض عدم یا تأخیر در اجرای مفاد قرارداد که مدلول التزامی آن است به محض انعقاد قرارداد ایجاد می‌شوند. وانگهی اگر محذور اسقاط ما لم یجب بر محل بحث وارد باشد، لازمه‌اش این است که سایر موارد نظیر تبری از عیب، اسقاط تمام یا قسمتی از خیارات و... نیز مبتلابه اشکال باشند؛ در حالی که چنین نیست (نکویی، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

۳-۱-۲. نظریه غرری بودن مسؤولیت

گفته شده درج شرط عدم یا تحدید مسؤولیت می‌تواند منجر به غرری شدن قرارداد شود؛ زیرا مشروط‌علیه نمی‌داند وضعیت قرارداد پس از انعقاد از حیث اجرایی شدن مفاد آن چگونه خواهد بود. فقهای امامیه در بحث تبری بایع از عیوب مبیع این ایراد را مطرح کرده و معتقدند از حیث تحلیلی، چنین شرطی مستلزم غرری شدن قرارداد می‌شود؛ زیرا مشتری نمی‌داند کالایی که خریداری کرده واقعاً معیوب است یا نه، بلکه او با اعتماد بر سخن بایع یا سکوت او اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند و بنابراین قرارداد مزبور مستلزم نوعی غرر است (سبحانی، ۵۱۴۱۴ق، ص ۳۸۱)، به ویژه در مواردی که غرر به عوضین سرایت کرده، فساد شرط غرری، قرارداد را نیز فاسد کند (ماده ۲۳۳ق.م). در نقد این استدلال می‌توان گفت: ملاک تشخیص غرر در قرارداد، عرف عملی است و قدر متیقن از عمل عرف این است که در مواقعی که شرط اسقاط یا تحدید مسؤولیت با نظم عمومی تداخلی نداشته یا مربوط به حقوق جانی و تقصیرهای عمدی و در حکم عمد نباشد، عرف خطر ناشی از قرارداد را می‌پذیرد. وانگهی در شروط ناظر به تحدید یا اسقاط ضمان قراردادی، مشروط‌الاًه با اندراج شرط قصد نداشته که عدم پای‌بندی خود به تعهدات قراردادی را اعلان کند، بلکه تنها فرضی را پیش‌بینی کرده که از عهده اجرای تمام یا برخی از تعهدات برنیاید. در چنین مواردی مشروط‌علیه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال حاکم بر قضیه (که رافع غررند) اقدام به پذیرش چنین شرطی می‌کند.

۳-۲. پذیرش شرط استثنا در حقوق ایران

در حقوق ایران درخصوص پذیرش یا عدم پذیرش شروط استثنا بین حقوقدانان اختلاف‌نظر است. در زمینه اعتبار یا عدم اعتبار شروط تحدید یا عدم مسؤولیت قراردادی، لازم است به صورت مجزا به هریک بپردازیم:



۳-۲-۱. شروط محدودکننده مسؤولیت قراردادی

شرط تحدید مسؤولیت یکی از اقسام شروط عدم مسؤولیت به معنای عام محسوب می‌شود؛ زیرا در این نوع توافق، مقداری از مسؤولیت قراردادی ناقض تعهد، کاسته می‌شود. به دلیل وجود مستندات قانونی در زمینه این‌گونه توافقات، کمتر می‌توان در صحت چنین شرطی تردید کرد؛ زیرا علاوه بر عمومات قانونی نظیر مواد ۱۰ و ۲۲۱ ق.م. و ذیل ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. قانونگذار در برخی مواد به طور ویژه شرط تحدید مسؤولیت قراردادی را معتبر دانسته است؛ نظیر مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت که این اختیار را به طرفین قرارداد داده تا برای میزان خسارت، مبلغی کمتر از قیمت کامل مال‌التجاره پیش‌بینی کنند یا بند ۸ ماده ۵۴ قانون دریایی که محدود کردن مسؤولیت متصدی حمل و نقل را پذیرفته و یا ماده ۷۵ قانون دریایی که به مالک کشتی اجازه داده تا مسؤولیت خود را به میزان مقرر در ماده ۷۷ این قانون محدود کند. بنابراین باید حکم به صحت شرط تحدید مسؤولیت قراردادی از منظر حقوق داخلی داد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۴۴).

۳-۲-۲. شروط عدم مسؤولیت قراردادی

درخصوص شرط عدم مسؤولیت به طور کلی بین حقوقدانان دو نظر وجود دارد که در ادامه این دو نظر را بررسی می‌کنیم:

۳-۲-۲-۱. نظریه اول

برخی از استادان حقوق در این زمینه قائل به تفصیل میان تعهدات به نتیجه و به وسیله شده‌اند؛ به این بیان که شرط عدم مسؤولیت مدنی قراردادی را در فرض این‌که تعهد از نوع تعهد به وسیله باشد، باطل و بلااثر، و در فرض تعهد به نتیجه صحیح دانسته‌اند. توضیح این‌که در تعهد به وسیله که اصل بر رعایت هنجارهای احتیاطی است، شرط عدم مسؤولیت ناشی از تقصیر و بی‌احتیاطی خلاف نظم عمومی است و نمی‌توان پذیرفت که زیان ایجاد شود، ولی حق مطالبه آن ساقط شده باشد؛ اما در تعهدات به نتیجه شرط عدم

مسئولیت صحیح است، زیرا این شرط خلاف نظم عمومی و قانون نبوده، مطابق ماده ۱۰ ق.م. صحیح است (امامی، ۱۳۸۸، ص ۶۱۴-۶۱۶).

۳-۲-۲. نظریه دوم

مشهور اساتید حقوق، در زمینه توافقات راجع به عدم مسئولیت قراردادی، در ابتدا سعی نموده‌اند یک قاعده و اصل کلی را با استمداد از موادی بویژه ماده ۱۰ و ۲۲۱ ق.م. و ۵۱۵ ق.آ.د.م. تأسیس نمایند و سپس استثنائاتی برای آن بیان کنند. طبق این نظریه، اگر میان زیان‌دیده و فاعل زیان، قرارداد عدم مسئولیت در زمینه مسئولیت قراردادی منعقد شده باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر خواهد داد، مگر در مواردی که شرط عدم مسئولیت، باطل و بلااثر است؛ مانند خسارات ناشی از تقصیر عمدی یا سنگین. در قوانین موضوعه نیز موادی مشاهده می‌شود که این شروط را پذیرفته‌اند. شاید بتوان ادعا کرد که مبنایی‌ترین ماده در حقوق ایران که به انواع شروط راجع به خسارت اعم از شروط کاهش‌دهنده، ساقط‌کننده و یا حتی افزایش‌دهنده مسئولیت اشاره کرده، ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م است که در این زمینه مقرر می‌دارد: «... در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد نمود». بنابراین در صورتی که میان زیان‌دیده و فاعل زیان، در زمینه مسئولیت قراردادی منعقد شده باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر خواهد داد و مطابق آن تصمیم می‌گیرد (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۰).

به نظر می‌رسد نظریه صحت شروط تحدیدکننده یا ساقط‌کننده مسئولیت مدنی قراردادی از قوت و استحکام بیش‌تری برخوردار باشد و با موازین عدل و انصاف نیز مغایرت چندانی ندارد؛ زیرا:

اول) به نظر می‌رسد اشکال اسقاط دین ناموجود، وارد نیست؛ زیرا مواردی نظیر ابراء ذمه طبیب (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳، ۴۴، و الجبلی العاملی، بی‌تا، ج ۱۵، ۳۲۷) از مواردی محسوب می‌شود که فقه معاصر حکم به صحت آن‌ها داده است، چرا که به نظر می‌رسد همین که مقتضی وجود دین یا تعهد یعنی انعقاد عقد محقق شود، کافی است تا با استفاده از شرط



تحدید یا عدم مسؤولیت، حکم به اسقاط جزئی یا کلی مسؤولیت قراردادی از ذمه متعهد کنیم.

دوم) اگرچه طرفداران بطلان شروط تحدید یا عدم مسؤولیت، داد مخالفت این گونه شروط با نظم عمومی را سر داده‌اند، اما این تمام حقیقت نیست، بلکه شروط مزبور حاوی آثار مثبتی نیز هستند؛ از جمله این‌که «در توزیع خطر و مسؤولیت بین طرفین قرارداد، کاهش قیمت کالا توسط تولیدکننده، کاهش هزینه‌های دعاوی از طریق تصریح به توزیع مسؤولیت بین طرفین قرارداد، کاهش هزینه‌های مذاکره و انعقاد قرارداد در موارد مربوط به قراردادهای چاپی و استاندارد یا به عبارت دیگر قراردادهای الحاقی مؤثر و مفید واقع شود» (نکویی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷ و ۲۵۸). بنابراین به نظر می‌رسد باید شروط تحدید یا اسقاط مسؤولیت مدنی قراردادی را صحیح دانست. اما این قاعده را نباید آنچنان فراگیر دانست، بلکه باید ضابطه‌ای ارائه داد تا از هرگونه سوءاستفاده احتمالی و ضررهایی که نظم و عدالت را تهدید می‌کنند احتراز جست. به همین منظور باید گستره صحت چنین شروطی را محدود به مواردی دانست که نظم عمومی را مخدوش نکنند. از همین رو است که تقصیرهای عمدی یا سنگین، یا خسارات راجع به شخص خارج از شروط تحدید یا اسقاط مسؤولیت دانسته می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۳ - ۳۲۴)؛ زیرا با تحلیل اراده جدی متعهد و متعهدله، خروج چنین مواردی بدیهی است و مراد هیچ کس از درج چنین شروطی در قرارداد، مجوز دادن برای هر عملی به طرف مقابل نیست. وانگهی رویه تجاری میان تجار، خود گواهی صادق بر ادعای ما است؛ چه این که تجار که عمدتاً در پی تحصیل منافع بیشتر از معاملات تجاری خویش هستند، غالباً از چنین شروطی بهره می‌برند که وجود چنین رویه‌ای خود حکایت از نقش مفید و تأثیرگذار چنین توافقاتی بر معاملات تجاری دارد.

۳-۳. پذیرش شرط استثنا در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس به طور کلی شروط استثنا در سه دسته قرار می‌گیرند:

الف) شروط معافیت (شروط ساقط‌کننده مسؤولیت): شروطی هستند که مسؤولیت مشروطه را به طور کلی سلب می‌کنند. اگر احراز شود که این شرط بخشی از قرارداد و نیز نافذ است، طرف قرارداد را قادر به اجتناب از مسؤولیتی می‌کند که در صورت عدم وجود شرط، عهده‌دار بود.

ب) شروط تحدید مسؤولیت: همانند شروط معافیتند؛ با این تفاوت که این شروط در پی محدود کردن مسؤولیت هستند، نه سلب آن به طور کلی.

ج) گنجانیدن شرطی در قرارداد برای شیوه اجرای قرارداد: مهم‌ترین مثالی که در این باب می‌توان ذکر کرد، درخواست اجرای قرارداد در یک بازه زمانی خاص است (Young, 2010, p.54). بنابراین در حقوق انگلیس هم بنا بر اصل آزادی اراده رویه قضایی و قوانین موضوعه افراد را از استفاده از شروط استثنا ممنوع نکرده‌اند؛ هرچند که محدودیت‌های بسیاری را برای استفاده از این شروط وضع کرده‌اند که در ادامه این محدودیت‌ها را نیز بررسی می‌کنیم.

۴. محدودیت‌های پذیرش شروط استثنا

۴-۱. محدودیت‌های پذیرش شرط استثنا در فقه امامیه و حقوق ایران

مشهور فقها و حقوقدانان ایران معتقدند شروط استثنا در موارد ذیل قابل پذیرش نیستند: الف) نسبت به خسارات ناشی از تقصیر عمدی یا سنگین (در حکم عمد) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۳-۳۲۴).

ب) نسبت به خسارات وارد بر شخص (اعم از خسارات جسمی و روحی).

ج) در مواردی که شرط عدم مسؤولیت با نظم عمومی (اجتماعی سیاسی، اقتصادی و...) مغایرت داشته باشد (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۰).

د) باطل اعلام شدن شرط توسط برخی قوانین خاص؛ نظیر ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ (پیشین، ص ۲۶۱).

ه) منطبق بودن شرط عدم مسؤولیت با شروط باطل غیرمبطل نظیر عدم مقدوریت (م

۲۳۲ ق.م) و شروط باطل مبطل نظیر خلاف مقتضای ذات عقد بودن (م ۲۳۳ ق.م) (نکویی، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

به نظر می‌رسد دلیل حقوقدانان مبنی بر بطلان شرط عدم مسؤولیت، مغایرت با نظم عمومی باشد. از حیث تحلیل حقوقی نیز نظم عمومی از چنان اهمیتی برخوردار است که هر گونه قرارداد یا توافق خلافش باطل محسوب می‌شود (م ۹۷۵ ق.م)؛ زیرا هدف والای حقوق برقراری توأمان نظم و عدل در کنار هم است؛ پس هرگونه توافقی که روحیه سهل‌انگاری و اهمال‌کاری را در جامعه ترویج داده، موجب شود تا افراد در معرض حوادث زیانبار (اعم از مالی، بدنی و روحی) قرار گیرند و به طور کلی تکلیف عمومی به رعایت احتیاط در قبال یکدیگر را با خدشه مواجه گردانند، به دلیل به مخاطره انداختن نظم و عدل، محکوم به بطلان است.

۲-۴. محدودیت‌های پذیرش شرط استثنا در حقوق انگلیس

۱-۲-۴. کنترل‌های کامن‌لا

دادگاه‌های انگلیس تمایل چندانی به پذیرش شروط استثنا ندارند؛ چرا که مشروط‌له این شروط غالباً در قرارداد قدرت برتر محسوب می‌شود و این شرط زیانبار بر طرف ضعیف‌تر بار می‌گردد. به همین دلیل هنگام رویارویی با این گونه شروط به دو روش سعی می‌کنند آن‌ها را در کنترل خود درآورند: روش اول این که اثبات وجود شرط استثنا در قرارداد بر عهده مشروط‌له است. به بیان دیگر اصل بر عدم وجود شرط استثنا در قرارداد است و مدعی وجود شرط باید ورود آن را به قرارداد از طریق امضا، اعلام و یا مناسبات تجاری اثبات کند (Richards, 2009, p.159-165). روش دیگر این است که قضات هنگام تفسیر شرط استثنا از قاعده تفسیر شرط علیه انشاکننده استفاده می‌کنند (Richards, 2009, p.167). مورد اول را با عنوان نحوه درج شروط استثنا در قرارداد بحث خواهیم کرد و مورد دوم را ذیل عنوان تفسیر شرط استثنا بررسی می‌کنیم.

۴-۲-۱. نحوه درج شروط استثنا در ضمن مفاد قرارداد

شروط ضمن عقد از جمله شرط استثنا به روش‌های مختلفی از جمله امضا، اعلان و روابط تجاری در قرارداد وارد می‌شوند که در ادامه به اختصار این موارد را بررسی می‌کنیم:

(الف) ورود شرط استثنا به قرارداد از طریق امضا
هرگاه شخصی یک قرارداد را امضا کند، به کلیه مندرجات قرارداد، از جمله شروط قراردادی ملزم می‌شود؛ خواه قرارداد را خوانده باشد خواه نه، و خواه مفاد آن را درک کرده باشد خواه درک نکرده باشد. برای مثال در دعوی^۱ ال استرنج علیه شرکت با مسؤلیت محدود گراکوب در سال ۱۹۳۴ خریدار یک دستگاه سوراخ‌کن، قرارداد خرید را امضا کرد، بدون این‌که متن قرارداد را خوانده باشد. در قرارداد شرطی درج شده بود که مقرر می‌داشت: مسؤلیت فروشنده در رابطه با شرط ضمنی تناسب دستگاه با هدف مورد نظر خریدار ساقط شده تلقی می‌شود. پس از طرح شکایت خواهان علیه خوانده، دادگاه مقرر داشت: شرط استثنا در این قرارداد با امضای خریدار وارد شده است، بنابراین فروشنده مسئول نقض قرارداد به دلیل عدم تناسب دستگاه با هدف نیست (Fafinski, Finch, p.).

(ب) ورود شرط استثنا به قرارداد از طریق اعلام
اگر شرطی از طریق اعلام در قراردادی وارد گردد، مشروطاً به منظور اثبات این شرط باید سه نکته را احراز کند:

اول) شرط باید با سند قراردادی همراه باشد: برای نمونه در دعوی^۲ کاپلتن علیه بری یو دی سی در سال ۱۹۴۰ خواهان یک صندلی راحتی اجاره کرد و در قبال آن بلیتی

1. L Estrange V F Graucob Ltd 1934.
2. Chapelton V Barry UDC 1940.



به‌عنوان اجاره‌بها پرداخت کرد. این بلیت حاوی شرطی بود که به موجب آن مسؤولیت ناشی از صدمات بدنی استثنا شده بود. خواهان آسیب دید و خوانده در پی این بود که به شرط موجود در قرارداد استناد کند. دادگاه رأی داد که این شرط وارد قرارداد اجاره نشده است؛ زیرا بلیت تنها یک قبض وصول است و یک سند قراردادی محسوب نمی‌شود (Turner, 2011, p.52).

دوم) شرط باید قبل از تنظیم قرارداد یا در حین تنظیم آن به اطلاع طرف دیگر قرارداد برسد. برای نمونه در دعوی^۱ اولی علیه شرکت با مسؤولیت محدود ماربورو در سال ۱۹۴۹ خواهان اتاقی در یک هتل اجاره کرد. پس از این، مسئولین هتل طی یک اطلاعیه به مسافران اخطار دادند «هتل هیچ مسؤولیتی در قبال اشیای دزدیده شده ندارد، مگر اشیایی که نزد مدیر هتل به امانت گذارده می‌شوند». پالتوی خواهان دزدیده شد و خوانده به شرط استثنا استناد کرد. دادگاه تجدیدنظر بیان کرد که شرط استثنا در قرارداد داخل نشده است؛ زیرا این شرط پس از این که قرارداد منعقد گردید به اطلاع خواهان رسیده است، در حالی که یک شرط هنگامی جزئی از مفاد قرارداد محسوب می‌شود که قبل یا در حین تنظیم قرارداد به اطلاع طرف مقابل برسد (Monaghan, 2013, p.56).

سوم) باید اقدامات متعارف جهت مطلع کردن طرف قرارداد نسبت به شرط انجام گیرد: شخصی که به قرارداد استناد می‌کند باید اقدامات متناسب و متعارفی را برای این‌که شرط مدنظر خود را به اطلاع طرف مقابل برساند، انجام دهد؛ اما لازم نیست اثبات کند طرف مقابل نیز واقعاً از مفاد شرط مطلع شده است یا خیر. (Monaghan, 2013, p.56-57)

ج) ورود شرط استثنا به قرارداد به وسیله مناسبات تجاری در صورتی که طرفین قرارداد، تاجر بوده، مناسبات تجاری مستمر و ثابت بین خودشان داشته باشند امکان دارد طبق روال مستمر و ثابتی که داشته‌اند، شروطی که همیشه

1. Olley V Marborough Court Ltd 1949.

بینشان مرسوم بوده وارد قراردادشان گردد، هرچند طرفین در ضمن قرارداد بدان شروط تصریح نکرده باشند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه زمانی حکم می‌شود مناسبات تجاری مستمری بین دو تاجر برقرار است؟ حقوقدانان انگلیس در پاسخ به این پرسش بر این عقیده‌اند که عرفاً باید تعداد معاملاتی که بین شخص و تاجر انعقاد می‌یابد به میزانی برسد که بتوان گفت مناسبات تجاری مستمری پدید آمده است و این مطلب با توجه به اوضاع و احوال و شرایط تعیین می‌گردد. برای مثال در پرونده^۱ هولپر علیه شرکت با مسئولیت محدود رملر موتورز در سال ۱۹۷۲ مقرر شد که سه یا چهار معامله در طول پنج سال کافی برای ایجاد مناسبات تجاری مستمر نیست؛ اما ۱۰۰ معامله در طول سه سال مناسبات تجاری مستمری را ایجاد می‌کند که براساس آن شروط معاملات قبلی به معاملات بعدی، حتی بدون تصریح نیز وارد می‌شوند (Monaghan, 2013, p.55).

۴-۲-۱-۲. تفسیر شرط استثنا

وقتی این نکته ثابت شد که شرط استثنا با توافق طرفین در قرارداد درج شده است، دادگاه‌ها در پی این هستند که آیا شرط استثنا تعهدی را که نقض گردیده پوشش می‌دهد. به این منظور دادگاه‌ها «قاعده تفسیر علیه انشاکنده»^۲ را اعمال می‌کنند. این قاعده بیان می‌کند که شروط قرارداد، در صورت ابهام، به زیان انشاکنده شرط تفسیر می‌شوند. کاربرد این قاعده را در دعوی^۳ هوتن علیه شرکت بیمه ترفلگر در سال ۱۹۵۴ می‌توان مشاهده کرد. اصل دعوا در مورد تصادف یک خودرو بود. ظرفیت این خودرو پنج مسافر بود، اما هنگام تصادف شش مسافر را سوار کرده بود. بیمه‌نامه‌ای که به موجب آن ماشین بیمه شده بود دارای این شرط بود که ماشین بیمه است، مگر در جایی که بار اضافه حمل می‌شود. بر این مبنا راننده ماشین ادعا کرد که به نفر ششم بیمه تعلق نمی‌-

1. *Hollier V Rambler Motors (AMC) Ltd* 1972.

2. *contra proferentem rule*.

3. *Houghton V Trafalgar Insurance Co* 1954.



گیرد. اما دادگاه تجدیدنظر مقرر داشت: واژه بار (Load) به صورت مضیق تفسیر می‌شود و تنها شامل کالا است، نه انسان. در نتیجه این شرط مسؤولیت بیمه‌گر را در صورت حمل فرد اضافه سلب نمی‌کند (Richards, 2011, p.155). قاعده تفسیر علیه انشاکنده جایی که یکی از طرفین برای سلب مسؤولیت خود در برابر تقصیرش، از شرط استثنا استفاده می‌کند، با شدت و دقت خاصی اعمال می‌گردد. بسیاری از شروط استثنا که سلب‌کننده مسؤولیت ناشی از تقصیر هستند، توسط قانون شروط ناعادلانه ۱۹۷۷ باطل اعلام شده‌اند و جایی که امکان دارد در زمینه مسؤولیت ناشی از تقصیر، شرط استثنا کارایی داشته باشد، واژگانی که در شرط اعمال می‌شوند باید کاملاً واضح و گویای مقصود و هدف طرفین باشند. برای مثال در دعوی^۱ وایت علیه جان وریک و شرکت با مسؤولیت محدود در سال ۱۹۵۳ خواهان از خوانده یک دوچرخه اجاره کرد. قرارداد بین آن‌ها بیان می‌کرد: در این توافق مالک مسئول هیچ گونه صدمه شخصی نخواهد بود. خواهان هنگام دوچرخه‌سواری در اثر عیب دوچرخه آسیب دید. به علت ارائه دوچرخه معیوب خواندگان مسئول شناخته می‌شدند؛ هم به دلیل نقض قرارداد و هم به علت تقصیرشان. دادگاه تجدیدنظر اعلام داشت که شرط مندرج در قرارداد مبهم است و بنابراین قاعده تفسیر علیه انشاکنده اجرا می‌گردد. به منظور این‌که شرط استثنا کم‌ترین منفعت را برای مشروط‌له داشته باشد، به این نحو تفسیر می‌شود که این شرط تنها به مسؤولیت‌های قراردادی اشاره دارد و در مورد مسؤولیت مدنی اجرا نمی‌شود (Elliot, Quinn, 2009, p.54).

۲-۲-۴. کنترل‌های قانونی

دومین شیوه‌ای که برای محدود ساختن اعمال شروط استثنا در نظام حقوق قراردادهای انگلیس مرسوم است، کنترل‌های قانونی است؛ بدین معنا که قانونگذار با وضع قوانین

1. White V John Warrick & Co Ltd 1953.

خاص می‌کوشد اصل آزادی اراده در مورد شروط استثنا را محدود کند و تحت کنترل خود درآورد و از این رهگذر نوعی عدالت و توازن قراردادی میان طرفین برقرار سازد. برای مثال ماده ۱۵۱ قانون ترافیک جاده‌ای سال ۱۹۶۰ که هم‌اکنون در ماده ۲۹ قانون وسایل نقلیه عمومی (مصوب ۱۹۸۱) تجسم یافته، هر شرطی را که به وسیله آن بتوان مسئولیت دارنده را در قبال صدمات بدنی و مرگ مسافران هنگام رانندگی یا آتش‌سوزی محدود کرد، باطل اعلام می‌کند. مقرراتی مشابه در قانون ترافیک جاده‌ای (مصوب ۱۹۸۸) وجود دارد. ماده ۳ قانون تدلیس (مصوب سال ۱۹۶۷) مقرر می‌دارد هرگونه شرطی برای از بین بردن یا محدود کردن مسئولیت ناشی از تدلیس تنها در صورتی نافذ است که دادگاه این شرط را عادلانه و عقلایی تشخیص دهد. علاوه بر موارد بالا مهم‌ترین قوانینی که در آن برای شرط استثنا محدودیت‌هایی ذکر کرده‌اند، قانون شروط غیرمنصفانه، (مصوب ۱۹۷۷) و قانون حقوق مصرف‌کننده (مصوب ۲۰۱۵) هستند که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۲-۱. قانون شروط غیرمنصفانه (مصوب ۱۹۷۷)^۱

هدف اساسی قانون شروط غیرمنصفانه در زمینه شروط استثنا این است که بر این شروط کنترل داشته باشد؛ مخصوصاً جایی که یکی از طرفین مصرف‌کننده باشد. (Richards, 2011, p.187). در این جا مهم‌ترین مطالبی را که قانون شروط غیرمنصفانه در زمینه شرط استثنا مقرر داشته است بررسی می‌کنیم:

الف) مصرف‌کننده بودن یکی از طرفین معامله

بسیاری از مقررات مندرج در قانون شروط غیرمنصفانه تنها جایی اعمال می‌شوند که یکی از طرفین مصرف‌کننده باشد. ماده ۱۲ این قانون بیان می‌کند طرفی مصرف‌کننده محسوب می‌شود که قرارداد را برای تجارت و در زمینه بازرگانی منعقد نکرده و طرف

1. unfair contract terms Act 1977

مقابلش تاجر باشد. بنابراین در قراردادی که هر دو طرف مصرف‌کننده هستند دیگر نمی‌توان آن‌ها را مصرف‌کننده‌ای که مقصود قانون شروط غیرمنصفانه است، تلقی کرد. علاوه بر این کالای ارائه شده باید از نوع کالاهایی باشد که برای مصارف شخصی استفاده می‌شوند (Elliot, Quinn, 2009, p.160).

ب) مسؤولیت ناشی از تقصیر

مطابق بند ۱ ماده ۲ این قانون مسؤولیت ناشی از مرگ یا صدمات شخصی که در نتیجه بی‌احتیاطی ایجاد می‌شوند، نمی‌توانند استثنا یا محدود شوند. مسؤولیت ناشی از تقصیری که باعث ایجاد صدماتی کم‌تر از مرگ یا صدمات شخصی باشد، در صورتی می‌تواند محدود یا مستثنا گردد که عقلایی باشد. این دو مقرر در قرارداد اعمال می‌شوند، خواه یکی از طرفین مصرف‌کننده باشد خواه نه. ماده ۱ قانون مذکور تقصیر را به این نحو تعریف می‌کند: «نقض هر گونه تعهد قراردادی صریح یا ضمنی مبنی بر به کار بردن دقت متعارف یا به کار بردن توانایی متعارف در رابطه با اجرای قرارداد یا تکلیف عمومی به‌کارگیری دقت که قانون مسؤولیت مستأجران (مصوب ۱۹۵۷) بر آن تأکید کرده است».

ج) شرط مربوط به عدم اجرای موضوع قرارداد

مطابق ماده ۳ قانون شروط غیرمنصفانه، در قراردادی که یک طرف آن مصرف‌کننده باشد، طرفین نمی‌توانند با یک شرط مسؤولیت عدم اجرای قرارداد یا تغییر موضوع قرارداد را از بین ببرند، مگر این که این تغییر موضوع قرارداد عقلایی باشد.

د) شروط مربوط به مصونیت از جبران خسارت

شرط مربوط به مصونیت از جبران خسارت شرطی است که مقرر می‌کند یکی از طرفین قرارداد از جبران خسارات ناشی از قرارداد، به هر علتی، در مقابل طرف دیگر معاف است. در واقع این شرط مسؤولیت را از عهده شخصی که قانوناً مسئول است برمی‌دارد.

به موجب ماده ۴ قانون شروط غیرمنصفانه چنین شروطی در قراردادهای مصرف‌کننده در صورتی که معقول باشند، معتبر هستند.

ه) شرط مربوط به ضمانتنامه کالاهای مصرفی اصولاً تولیدکنندگان برای کالاهایشان ضمانتنامه دارند. در این ضمانتنامه‌ها تولیدکنندگان تا مدت زمان خاصی خسارات ناشی از کالا را تضمین می‌کنند. حال ممکن است فروشندگان بخواهند با شروط استثنا مسؤلیت خود در مقابل صدمات جدی‌تر از جمله صدمات بدنی را که در نتیجه استفاده از کالا به مصرف‌کننده وارد می‌گردد از بین ببرند یا محدود کنند. به موجب ماده ۵ قانون شروط غیرمنصفانه چنین شروطی در مورد مصرف‌کنندگان فاقد اثر است.

و) شرط ضمنی قانونی در قراردادهای اجاره و فروش قوانینی مثل قانون بیع کالا (مصوب ۱۹۷۹) برخی از شروط ضمنی را در قراردادهای فروش کالا و نیز قراردادهای اجاره وارد می‌کنند. استثنا کردن این شروط توسط قانون شروط غیرمنصفانه ممنوع شده است. برای نمونه ماده ۱۲ قانون فروش کالا در زمینه حق مالکیت فروشنده بر کالا استثناپذیر نیست. همچنین شروط مذکور در مواد ۱۳ تا ۱۵ در صورتی که یک طرف به‌عنوان مصرف‌کننده وارد قرارداد شود استثنا نمی‌شوند و در صورتی که هیچ‌یک از طرفین مصرف‌کننده نباشد، این مواد در صورتی استثنا می‌شوند که استثنا کردن آن‌ها معقول باشد.

ز) تدلیس به موجب ماده ۸ قانون شروط غیرمنصفانه در تمام قراردادهای مسؤلیت ناشی از تدلیس را نمی‌توان استثنا کرد، مگر این‌که این شرط متعارف باشد (Elliot, Quinn, 2009, p.179). برای نمونه در دعوی شرکت با مسؤلیت محدود واتفرد الکترونیکز علیه سندرسون سی اف ال در سال ۲۰۰۱ خوانده نرم‌افزارهایی را برای خواهان تهیه کرد و

1. Watford Electronics Ltd V Sanderson CFL 2001.

آن‌ها را جهت استفاده در کامپیوتر ادغام کرد. خواهان به دلیل این‌که رایانه‌اش درست کار نمی‌کرد قرارداد را فسخ کرد و برای خسارات ناشی از نقض قرارداد و تدلیس اقامه دعوا کرد. در شروط استناداری که خوانده در قراردادش گنجانده بود یک شرط استثناء مبنی بر سلب مسؤولیت ناشی از هرگونه خسارات مستقیم یا غیرمستقیم برخاسته از تقصیر وجود داشت و نیز مسؤولیت ناشی از قیمت کالاهای ارائه شده به موجب شرط استثناء محدود گشت. دادگاه رأی داد که باید مقررات قانون شروط غیرمنصفانه (مصوب ۱۹۷۷) در این قرارداد اعمال گردد و برای این منظور ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که آیا درج چنین شرط استثنایی در ضمن قرارداد مزبور معقول است یا خیر و سرانجام حکم داد که درج این شرط استثناء معقول و متعارف بوده است؛ زیرا طرفین از لحاظ قدرت معاملاتی برابر بوده، خواهان شرط استثناء را در قرارداد صریحاً پذیرفته است. بنابراین خوانده در قبالتش مسؤولیتی ندارد (Turner, 2011, p57).

۴-۲-۲. شروط غیر منصفانه در قانون حقوق مصرف‌کننده (مصوب ۲۰۱۵)

دومین مصداق مهم کنترل‌های قانونی در جهت محدود کردن شروط غیرمنصفانه از جمله شرط استثناء، مقررات مربوط به شروط غیرمنصفانه در قانون حقوق مصرف‌کننده، مصوب ۲۰۱۵) است. بند ۴ ماده ۶۲ قانون مذکور شرط غیرمنصفانه را به این نحو تعریف کرده است: «شرط غیرمنصفانه شرطی است که مخالف مقتضیات حسن‌نیت باشد و تعادل میان حقوق و تعهدات طرفین قرارداد را به زیان مصرف‌کننده از بین ببرد». به موجب ماده ۶۱، مقررات این قانون تنها در قراردادهای میان تاجر و مصرف‌کننده اعمال می‌شود و به موجب بند ۱ ماده ۶۲، شرط غیرمنصفانه در قرارداد، مصرف‌کننده را متعهد نمی‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

در فقه مشهور فقها بر این عقیده هستند که شروط استثنا با استناد به اصل آزادی اراده و عدم مغایرت با کتاب و سنت صحیح هستند و داخل در عموم «المؤمنون عند شروطهم» هستند. محذورات «اسقاط مالم یجب» و «غرری بودن مسؤولیت» نیز که از سوی برخی از فقها برای ابطال شرط استثنا مورد استناد واقع شده‌اند قابل مناقشه هستند؛ چرا که اولاً وقوع قرارداد بین طرفین، سبب پیدایش اقتضای مسؤولیت قراردادی می‌شود و این مقتضی به واسطه شرط استثنا قابل اسقاط است و ثانیاً غیر قابل اسقاط بودن مسؤولیت در مواردی نظیر خیار مجلس، شرط و حیوان دلیل بر حکم بودن مسؤولیت نیست؛ زیرا درخصوص سه خیار مزبور عدم امکان سلب مسؤولیت به دلیل قاعده «تلف مبیع قبل القبض من مال بایعه» است، نه این که مسؤولیت در این موارد حکم و غیر قابل اسقاط باشد.

در حقوق ایران اکثر حقوقدانان بر این عقیده هستند که قرارداد عدم مسؤولیت که میان فاعل زیان و زیان‌دیده در زمینه مسؤولیت قراردادی منعقد شده است، صحیح است، مگر در مورد خسارات ناشی از تقصیر عمدی و سنگین و مخالفت با نظم عمومی.

در حقوق انگلیس قاعده اولیه درخصوص شروط استثنا، صحت آن به دلیل آزادی اراده است؛ اما رویه قضایی و قوانین این شروط را به سختی می‌پذیرند و محدودیت‌هایی بر پذیرش این شروط اعمال می‌کنند. برخلاف حقوق ایران که مشهور فقها و حقوقدانان معتقدند لزومی ندارد شرط ضمن عقد حتماً ضمن قرارداد اصلی قید گردد تا الزام‌آور باشد، در حقوق انگلیس به منظور این که شرط استثنا الزام‌آور باشد، حتماً باید وارد قرارداد گردد و ضمن آن قید شود. در غیر این صورت هیچ الزامی برای متعهد ایجاد نمی‌کند. بنابراین مشروطه مکلف است ورود شرط به قرارداد و درج آن ضمن قرارداد را اثبات کند. علاوه بر این در رویه قضایی انگلستان در صورتی که شرط ضمن عقد مبهم باشد برای تفسیر آن از قاعده «تفسیر شرط علیه انشاکننده» استفاده می‌کنند و این قاعده درخصوص شروط استثنا با شدت بیشتری اعمال می‌گردد.

علاوه بر رویه قضایی، قانونگذار انگلیس نیز کوشش کرده است با وضع قوانین خاصی اصل آزادی اراده در زمینه شرط استثنا را محدود کند که مهم‌ترین این قوانین عبارتند از: ماده ۲۹ قانون وسایل نقلیه عمومی (مصوب ۱۹۸۱)، ماده ۳ قانون تدلیس (مصوب ۱۹۶۷)، قانون حقوق مصرف‌کننده (مصوب ۲۰۱۵) و قانون شروط غیر منصفانه (مصوب ۱۹۹۷) که این قانون بیش‌ترین محدودیت را برای استفاده از شروط استثنا به دنبال داشته است.

۶. منابع

۱-۶. فارسی

۱. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ ۲۹، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۲. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۶، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۵۱۴۲۰.ق.
۳. ایزانلو، محسن، شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسؤولیت در قراردادها، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تئوری موازنه، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۹.
۶. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۴، قم، موسسه آل‌البیت، بی‌تا.
۷. الجبلی العاملی، زین‌الدین علی بن احمد، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۵، قم، موسسه معارف اسلامی، بی‌تا.
۸. ره‌پیک، حسن، حقوق مدنی پیشرفته (مباحث تحلیلی شروط ضمن عقد)، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی، ۱۳۹۳.
۹. سبحانی، جعفر، المختار فی احکام الخیار، موسسه الامام الصادق، قم، ۵۱۴۱۴.ق.

۱۰. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب‌الله، *حقوق مسئولیت مدنی*، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۱۱. قاسم‌زاده، مرتضی، *اصول قراردادهای و تعهدات*، چاپ چهاردهم، تهران، دادگستر، ۱۳۸۹.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادهای*، ج ۴، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
۱۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح‌الفقاهه فی‌المعاملات*، مقرر: محمدعلی توحیدی، ج ۷، چاپ اول، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، *نظریه عمومی شروط التزامات در حقوق اسلامی*، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه، بخش مدنی*، چاپ پانزدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۶. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۳، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷.
۱۷. نکویی، محمد، *شرط عدم مسئولیت*، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۹۰.

۲-۶. لاتین

18. Elliot, Catherine, Frances Quinn, *Contract Law*, Pearson Academic, 7th ed, London, 2009.
19. Fafinski, Stefan, Emily Finch, *Contract law*, Longman Pub Group, 1st ed, London, 2009.
20. Monahan, Geoff, *Ibid, Essential Contract Law*, 2ed ed, Cavendish publishing, London, 2001.

21. Nicola Monaghan, Chris Monaghan, *Beginning Contract Law*, Routledge publish, 1st ed, London, 2013.
22. Richards, Paul, *Law of contract*, Longman-Pearson, 9th ed, London, 2011.
23. Turner, Chris, *Contract law*, (key case), Holder Education, 2^{ed} ed, London, 2011.
24. Young, Max, *Understanding Contract law*, Routledge Cavendish Publishing, London, 2010.





